

توسعه سیاست کیفری سخت‌گیرانه در اصلاحیه قانونی تحدید مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر

سعید صانعی^{*}، سعید حسین حسینی^{**}، سعید مهدی سیدزاده ثانی^{***}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۳۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۲۷۲-۲۴۷
-------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

گستره سیاست کیفری قانونگذار در قبال اعدام برای جرائم مواد مخدر ثابت نبوده و گاهی این تغییر به سمت توسعه گستره سیاست کیفری سخت‌گیرانه و گاهی به سمت محدودسازی آن بوده است. این پژوهش با ارزیابی تغییر گستره سیاست کیفری ایران در قبال جرائم مواد مخدر مستوجب اعدام با روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد قانونگذار در آخرین اراده تقنینی خود در ماده (۴۵) الحاقی مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ در اکثر موارد خواسته یا ناخواسته به رغم قصد کاهش مجازات اعدام، در عمل دامنه سیاست کیفری سخت‌گیرانه و اعدام را توسعه بخشیده است؛ زیرا مقنن هر چند سعی کرده است با اقداماتی همچون کاهش دامنه جرائم مستوجب اعدام از طریق افزایش وزن مواد مخدر و تبدیل احکام قطعی مجازات اعدام به حبس و جزای نقدی سیاست کیفری سخت‌گیرانه را تحدید کند، اما در مرحله اجرا ملاحظه می‌شود با اقداماتی همچون گسترش دامنه شمول جرائم مستوجب اعدام، محروم کردن متهمان اعدام از تدابیر ارفاقی، استفاده از الفاظ تقنینی ابهام‌زا، گسترش نقش سوابق کیفری در حکم اعدام و جرم‌انگاری مستقل معاونت و حدانگاری برخی جرائم مواد مخدر این سیاست کیفری سخت‌گیرانه بسیار پررنگ‌تر از گذشته شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست کیفری؛ تحدید مجازات اعدام؛ مواد مخدر؛ افزایش سخت‌گیری کیفری؛ ماده (۴۵) الحاقی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: saeedsanei64@yahoo.com

** دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛

Email: shosseini@um.ac.ir

** استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: seidzadeh@um.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4182.4158

مقدمه

مواد مخدر یکی از حوزه‌هایی است که همواره محل نزاع بین رویکردهای سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه است و این تغییر گستره سیاست کیفری معمولاً ناشی از درگیری حقوق جزا با توسعه الگوهای متعارض بوده است (Hallsworth and Young, 2008: 6). هرچند ظهور یا افول پاسخ به یک رفتار فاصله‌گیر از هنجارها تدریجی است (دلماز مارتی، ۱۳۹۳: ۳۸۳) اما باید به این تغییر گستره سیاست کیفری خواه در بخش جرم‌انگاری یا بخش جرم‌زدایی دقت ویژه‌ای کرد، زیرا آثار و نتایج متفاوتی را در جوامع به دنبال دارد. اعدام، یکی از مهمترین پاسخ‌های مختلفی است که همواره مورد توجه سیاستگذاران کیفری بوده و با گذشت زمان و مکان، گستره و نحوه اجرای آن تغییر کرده است. به‌طور کلی در توجیه مجازات اعدام، دو نظریه استحقاقی و بازدارندگی وجود دارد. استدلال مشترک تمام کشورهایی که از مجازات اعدام استفاده می‌کنند به جهت بازدارندگی آن است (Amnesty International, 2017: 5) چون اعمال مجازات اعدام نه تنها مرتکب را از تکرار جرم باز می‌دارد، بلکه موجب می‌شود دیگران نیز به سمت ارتکاب جرم نروند. اخیراً در سطح جهانی در بین اندیشمندان، اجماعی در مورد حذف این مجازات برای جرائم مواد مخدر به وجود آمده است^۱ زیرا آنها معتقدند هیچ دلیل علمی مبنی بر آنکه اعدام بتواند به تنهایی از ارتکاب جرم جلوگیری کند وجود ندارد (Thanh Luong, 2021: 6) ولی همچنان ۲۲ کشور^۲ این استدلال را نپذیرفته و مجازات اعدام را در خصوص مواد مخدر اعمال می‌کنند (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

قانونگذار ایران در سال ۱۳۳۸ برای اولین بار، مجازات اعدام را وارد قلمرو مواد مخدر کرد و از آن سال همواره سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال این دسته از جرائم را اتخاذ کرده است. پس از انقلاب اسلامی نیز مقرراتی که درباره اعدام در جرائم مواد مخدر به تصویب رسید سابقه‌ای در شرع نداشت و حتی از مجرای عادی خود به تصویب نرسیده

1. For Example See: Griffith Edwards et al. (2009). "Drug Trafficking, Time to Abolish the Death Penalty", *Journal Compilation, Society for the Study of Addiction*, pp. 1265-1260.

۲. حدود ۲۲ کشور در جهان برای مواد مخدر مجازات اعدام در نظر گرفته‌اند که عبارتند از: چین، اندونزی، هند، تایلند، مصر، بحرین، برمه، کره جنوبی، تایوان، ماوریتئوس، مالزی، سنگاپور، عراق، برونی دارالسلام، سریلانکا، امارات متحده عربی، سوریه، ترکیه، ایران، عربستان، الجزایر و ایالات متحده آمریکا.

بودند. اما عدم بازدارندگی مجازات اعدام از یک سو و همچنین انتقادهای سازمان‌های بین‌المللی در خصوص مجازات اعدام قاچاق مواد مخدر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر موجب شد تا طرح حذف و محدودسازی مجازات اعدام با هدف کیفی‌سازی این مجازات در مجلس شورای اسلامی مطرح شود و در نهایت در سال ۱۳۹۶، ماده واحده (۴۵) الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر تصویب شود. با تصویب این ماده هدف کاهش مجازات اعدام به نوعی اقدامات قانونگذاران سابق به چالش کشیده شد. در این مصوبه، قانونگذار با اقداماتی همچون افزایش وزن مواد مخدر مستوجب اعدام، ظاهراً قصد عقب‌نشینی در میدان حقوق کیفری را داشته اما مطالعه سایر اصلاحات اعمال شده از سوی مقنن، تجهیزتر شدن جبهه حقوق کیفری و پیشروی در این میدان را نشان می‌دهد. این تغییر رویکرد سخت‌گیرانه و در حکم افساد فی الارض قرار دادن برخی از جرائم مواد مخدر سبب شد برخی از قضات با توجه به ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی در خصوص شمول و نحوه اجرای این ماده الحاقی در مورد پرونده‌های سابق دچار شک و تردید شوند.

نکته‌ای که در جریان الحاق ماده (۴۵) قانون مبارزه با مواد مخدر به چشم می‌خورد؛ فقدان پژوهش‌های اساسی و روشمند در زمینه تصویب این قانون است. از این رو ضروری است نوآوری‌ها و ابهامات ماده مذکور با قانونگذاری‌های پیشین مقایسه و بررسی شود که آیا سیاست کیفری قانونگذار در جرائم مواد مخدر مستوجب اعدام، مبتنی بر تحدید یا توسعه گستره سیاست کیفری سخت‌گیرانه است. همچنین بعضی از اندیشمندان نشان داده‌اند که ارتکاب خطاهای قضایی در جرائم مواد مخدر بیشتر از سایر جرائم انجام می‌شود و باید به این‌گونه محدودیت‌ها توجه ویژه کرد (Laqueur, Rushin and Simon, 2014: 15). بنابراین باید بررسی شود که آیا هدف از تصویب ماده (۴۵) الحاقی، کاهش محکومین در انتظار اعدام است یا کاهش جرائم مواد مخدر؟ در این پژوهش سعی می‌شود با شیوه توصیفی و تحلیلی نشان داده شود که آیا اصلاحات قانونی در سال ۱۳۹۶ منطبق با راهبرد پیشروی سیاست کیفری سخت‌گیرانه است و یا برعکس، اصلاحات انجام شده سازگاری کامل‌تری با راهبرد پسروی یا عقب‌نشینی سیاست کیفری سخت‌گیرانه دارد.

۱. توسعه جلوه‌های راهبرد پیشروی سیاست کیفری سخت‌گیرانه

با بررسی سیاست کیفری قانونگذار در حوزه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر ملاحظه می‌شود سیاست کیفری گستره واحدی نداشته و در بازه‌های زمانی مختلف تقنینی تغییر کرده است؛ گاهی این گستره در جهت سیاست کیفری ارفاقی و تسامح نسبت به اعدام دچار پسروی شده و گاهی در جهت سیاست کیفری سخت‌گیرانه، گستره اعدام پیشروی کرده است. هر کدام از این تغییر مسیرها ناشی از تفکر سیاستگذار کیفری بوده که دارای آثار و پیامدهای فراوانی است که باید به آنها توجه کرد. قانونگذار ایران در زمینه مبارزه با مواد مخدر بدون تبعیت از یک راهبرد منسجم علمی، غالباً رویکردی سخت‌گیرانه را در پیش گرفته است. این سخت‌گیری گاهی به صورت جرم‌انگاری‌های جدید، افزایش مجازات‌ها و ... است. قانونگذار به موجب ماده (۴۵) الحاقی در برخی اصلاحات، سیاست کیفری سخت‌گیرانه را به شرح زیر توسعه داده است:

۱-۱. گسترش دامنه شمول جرائم مستوجب اعدام

یکی از مهمترین شئون مقنن، رعایت عدالت ماهوی در جرم‌انگاری و تعیین مجازات است که بر مبنای رعایت تناسب مجازات‌ها با جرائم و فایده‌مندی مجازات‌ها شکل می‌گیرد (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۷). در عین حال با توجه به مجازات‌ها و جرم‌انگاری‌های مواد مخدر گاهی بی‌عدالتی ماهوی کاملاً مشهود است. قانونگذار در راستای سیاست جرم‌انگاری حداکثری به منظور گسترش قلمرو دامنه جرم‌انگاری، رکن قانونی و مادی جرم توسعه داده است (مجیدی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۸: ۲۹۶). با بررسی قوانین مبارزه با مواد مخدر مشاهده می‌شود که در ماده (۴۵) الحاقی، مقنن دامنه برخی جرم‌انگاری‌ها را توسعه بخشیده است.

بند «الف» ماده (۴۵) الحاقی^۱ شبیه حکم ماده (۱۱) اصلاحیه قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶^۲ است، اما به موجب این بند افعالی که مستوجب مجازات اعدام

۱. بند «الف» ماده (۴۵) الحاقی: «مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند».

۲. ماده (۱۱) اصلاحیه قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر: «مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردرویی موضوع این قانون به‌طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملاعام اجرا خواهد شد».

می‌شوند گسترش پیدا کرده‌اند. با این توضیح که به موجب ماده (۱۱) قانون مبارزه با مواد مخدر، عبارت قاچاق مسلحانه که برای آن مجازات اعدام تعیین شده تنها شامل ورود و خروج، ارسال و صدور مواد مخدر به صورت مسلحانه می‌شود؛ زیرا مواد مخدر و روانگردان‌ها به موجب ماده (۱۲۲) قانون امور گمرکی،^۱ یکی از انواع کالاهای ممنوع است که حسب ماده (۱) قانون قاچاق کالا و ارز،^۲ «قاچاق» فقط شامل واردات و صادرات می‌شود در حالی که بند «الف» ماده (۴۵) الحاقی علاوه بر واردات و صادرات شامل افعال نگهداری، حمل، خرید و ... مواد مخدر و روانگردان نیز می‌شود. البته صدر همین بند عبارت «مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند» نیز دامنه شمول مواد مستوجب اعدام را گسترش داده به نحوی که حتی علاوه بر مواد مخدر و روانگردان‌های صنعتی، پیش‌سازهای مواد (موضوع ماده (۴۰) قانون مبارزه با مواد مخدر) را هم شامل می‌شود در حالی که ماده (۱۱) قانون مبارزه با مواد مخدر پیش‌سازهای مواد را شامل نمی‌شود.

مقنن حتی در جهت سیاست کیفری سخت‌گیرانه، مصداق‌های قاچاق مسلحانه را توسعه بخشیده و استفاده از سلاح سرد را نیز برای اطلاق قاچاق مسلحانه کافی دانسته است. قانونگذار در این بند، سلاح را شامل سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ می‌داند؛ در حالی که رویه قضایی سابق و ماده (۱۱) قانون مبارزه با مواد مخدر، قاچاق مسلحانه مواد مخدر را تاکنون مشمول سلاح سرد حتی سلاح سرد جنگی نکرده بود و قاچاق

۱. ماده (۱۲۲) قانون امور گمرکی ۱۳۹۰/۸/۲۲: «ورود قطعی کالاهای مشروحه زیر ممنوع است:

الف) کالاهای ممنوعه براساس شرع مقدس اسلام و به موجب قانون،

ب) کالاهای ممنوع شده به موجب جدول تعرفه گمرکی یا تصویب‌نامه‌های متکی به قانون،

پ) اسلحه از هر قبیل، باروت، چاشنی، فشنگ، گلوله و سایر مهمات جنگی، دینامیت و مواد محترقه و منفجره

مگر با اعلام و موافقت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح،

ت) مواد مخدر و روانگردان از هر قبیل و پیش‌سازهای آنها مگر با موافقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش

پزشکی در هر مورد ...».

۲. بند «الف» ماده (۱) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲/۱۰/۳: «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود».

مسلحانه فقط از طریق سلاح گرم قابل تصور بود. به علاوه در این بند بیان شده به قصد مقابله با مأموران سلاح همراه داشته باشد. در اینجا هم نوعی از توسعه دامنه ماده (۱۱) قانون مشاهده می شود زیرا در ماده (۱۱) تنها به سلاح کشیدن برای قاچاق مسلحانه اشاره شده در حالی که در این بند، حتی صرف قصد مقابله را کافی دانسته است. البته اینکه چگونه می توان از همراه داشتن سلاح، این قصد را کشف کرد نیز خود نوعی مشکل است که سبب توسعه اختیار قضات رسیدگی کننده در تفسیر می شود.

۱-۲. استفاده از الفاظ تقنینی ابهام‌زا

روش و شیوه قانونگذاری در توسعه عناوین مجرمانه حقوق کیفری نقش مؤثری دارد و به مجریان قانون این اختیار را می دهد که در صورت وجود ابهام‌های تقنینی، تفسیرهای متفاوتی از قانون انجام دهند. بنابراین چنانچه محاکم مختلف در تفسیر یک قانون استنباط‌های مختلفی داشته باشند و آرای متناقضی صادر کنند، رویه‌های مختلفی ایجاد می شود که تعدد این رویه‌ها تداعی کننده بی عدالتی می شود (اسلامی پناه، ۱۳۹۷: ۲۵۰). از این رو اکثر حقوقدانان معتقدند چنانچه قانونگذار از الفاظ مبهم استفاده کند ناقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات است (Desportes, 2008: 125). امروزه در راستای اصل قانونی بودن جرم و مجازات صحبت از اصل کیفی بودن جرم می شود که از مهمترین آثار آن می توان به شفافیت متون قانونی اشاره کرد (فلچر، ۱۳۸۴: ۳۴۶). با دقت در ماده (۴۵) الحاقی ابهامات تقنینی متعددی ملاحظه می شود که سبب شده حقوقدانان تفسیرهای مختلفی داشته باشند از قبیل:

- بند «ب» ماده (۴۵) الحاقی به نقش سردستگی (موضوع ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار اشاره کرده است، اما مشخص نیست که آیا پشتیبانی مالی و سرمایه‌گذاری از طریق یک نفر هم محقق می شود یا خیر؟ عده‌ای معتقدند با توجه به مطلق بودن عبارت، حتی اگر سرمایه‌گذاری و پشتیبانی مالی از یک نفر هم انجام شود مشمول ماده (۴۵) الحاقی است (ذبحی، ۱۳۹۷: ۵۱). عده‌ای مخالف این نظرند و معتقدند هدف قانونگذار توجه به دسته‌ای از جرائم مواد مخدر است

که به صورت سازمان یافته ارتکاب می‌یابند و هر چند کلمات سرمایه‌گذار یا پشتیبان مالی به صورت مطلق به کار رفته‌اند، اما با توجه به معنای این کلمات در موارد مشابه قانونی و عرفی می‌توان این‌گونه استنتاج کرد که صرف در اختیار گذاشتن مال در اختیار فردی برای خرید صد گرم تریاک را نمی‌توان سرمایه‌گذاری و پشتیبانی مالی محسوب کرد بلکه باید سازمان یافته بودن بزه ثابت شود. البته عبارت (نقش داشتن) که در متن این بند آمده مؤید این ادعاست؛ زیرا نقش داشتن هنگامی معنای می‌یابد که تقسیم کاری در گروهی انجام شده باشد (اعظمی چهاربرج، ۱۳۹۷: ۳۰) که به نظر نگارندگان نظر دوم با تعاریف قانونی سازگارتر است.

- قانونگذار در ماده (۴۵) الحاقی، جرائم مواد مخدر را با شرایطی در حکم مفسد فی الارض دانسته و به نوعی قلمرو جرم افساد فی الارض که یک جرم حدی است را گسترش داده است. عبارت (در حکم)^۱ در عرف قانونگذاری و فقهی متداول است، اما تعریف مشخصی از این عبارت در متون قانونی بیان نشده است. برداشت‌های متعدد از این عبارت باعث مشکلات عدیده‌ای در اجرای قوانین شده است. عبارت (در حکم) از نظر لغوی به معنای «به مثابه» یا «به منزله» بوده و مفهوم اصطلاحی آن عبارت از «الحاق موضوعی به موضوع دیگر از حیث احکام و آثار به واسطه وجود مناط مشترک» است (جودوی خراسانی، ۱۳۸۲: ۲۲). در خصوص اینکه آیا باید تمام آثار و احکام موضوع اصلی به فرعی ارجاع داده شود اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای قائل به عدم تعمیم تمام آثارند و صرفاً این تعمیم را ناظر به مجازات جرائم دانسته‌اند و به ادله‌ای همچون قاعده تفسیر مضیق قوانین و قاعده درء استناد کرده‌اند. دسته دوم که قائل به تعمیم تمامی آثار و احکام جرم اصلی به فرعی هستند به ادله‌ای همچون قاعده تبعیت فرع از اصل و دلالت التزامی و اطلاق و عموم لفظ و تبادر استناد کرده‌اند. البته در خصوص جرائم مواد مخدر این مشکل تا حدودی پیچیده‌تر هم شده است؛ زیرا تا پیش از تصویب ماده (۴۵) الحاقی توسط مجلس شورای اسلامی این نکته مطرح بود که با توجه به خاص بودن قانون مبارزه با مواد مخدر به جهت تصویب آن توسط مجمع تشخیص

مصلحت نظام، قابلیت تخصیص خوردن توسط قوانین عام دیگر را ندارد، اما پس از تصویب ماده (۴۵) الحاقی توسط مجلس در خصوص اینکه آیا باید معیارهای ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی در خصوص مفسد فی الارض در مواد مخدر نیز وجود داشته باشد؛ نظرهای گوناگونی بیان شده که این سبب می شود هر قاضی برداشت های مختلفی از آن کند که این امر برخلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۶۴). از سوی دیگر مقنن در ماده (۲۸۶) و تبصره آن در تعریف خود واژه هایی از جمله گسترده، عمده و شدید به کار برده است بدون آنکه تعریف و ضابطه مشخصی را برای آنها معین کند و مشخص نیست منظور از عبارت (به طور گسترده) تعداد مجنی علیه است؟ یا تکرار بسیار فعل توسط فاعل؟ یا وسعت مکانی یا وسعت زمانی؟

- بند «الف» ماده (۴۵) الحاقی، مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر مسلحانه را اعدام تعیین کرده است. در این ماده میزان مواد مخدری که باید حمل شود تا عنوان قاچاق بر آن صدق کند تعیین نشده که این موجب برداشت های مختلف از قانون می شود. عده ای معتقدند در صورت مسلحانه بودن قاچاق مواد مخدر با توجه به اطلاق عبارت ماده، نوع و میزان مواد مخدر در کیفر اعدام مقرر شده بی تأثیر است. به این ترتیب اگر فردی حتی چند گرم تریاک یا دیگر مواد مخدر را را به طور مسلحانه حمل، نگهداری، خرید و ... یا به هر طریق قاچاق کند، در صورتی که اطلاق عرفی قاچاق مسلحانه موضوع این ماده بر آن وجود داشته باشد، مجازات آن در هر حال اعدام خواهد بود (ذبحی، ۱۳۹۷: ب: ۴۶۸). در صورتی که به نظر نگارندگان با توجه به توضیحاتی که در مقدمه توجیهی طرح ماده (۴۵) الحاقی و صحبت های نمایندگان در صحن علنی مجلس بیان شده، قصد مقنن قاچاق عمده و در اوزان بالا بوده است.

- در بند «ت» ماده (۴۵) منظور از عبارت (... سایر جرائم موضوع ماده (۸) ...) مبهم است؛ زیرا هنگامی که به ماده (۸) مراجعه می کنیم ملاحظه می شود جرائم مذکور در این ماده به دو دسته تقسیم نشده اند؛ در حالی که این تقسیم بندی در جرائم موضوع ماده (۴) قانون مبارزه با مواد مخدر وجود دارد و چهار فعل نگهداری، حمل، خرید و مخفی کردن که در ماده (۵) جرم انگاری شده اند و سایر افعال مجرمانه در ماده (۴) این قانون مشخص شده اند. به

نظر می‌رسد منظور از عبارت سایر جرائم، افعال مذکور در ماده (۵) قانون مبارزه با مواد مخدر است زیرا (و) که بعد از فعل (باشد) و قبل از عبارت (مواد موضوع ماده (۸)) آمده (واو) عطف است که عبارت (کلیه جرائم موضوع ماده (۴)) را به عبارت (مواد موضوع ماده (۸) این قانون) عطف کرده است. بنابراین چهار فعل نگهداری، حمل، خرید و مخفی کردن از عموم صدر بند «ت» خارج می‌شوند. این افعال چهارگانه در صورتی که موضوع ماده (۸) قرار گیرند، برای اینکه مستوجب اعدام شوند باید بیشتر از سه کیلوگرم باشند (اعظمی چهاربرج، ۱۳۹۷: ۳۹) که نظریه مشورتی شماره ۷/۹۶/۲۱۶۳ مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه^۱ و بند «۷» بخشنامه رئیس قوه قضائیه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ مؤید همین نظر است.

۱-۳. محروم کردن متهمان جرائم مستوجب اعدام از تدابیر ارفاقی

مقنن از لحاظ رعایت اصل تناسب جرم و مجازات باید سیاستی افتراقی در برابر جرائم سنگین و سبک در نظر بگیرد. کاربرد اصل تناسب در جرائم مواد مخدر در مرحله اول مربوط به تعیین سطح مجازات هاست که برعهده قانونگذار است و باید میزان مجازات

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۶/۲۱۶۳ مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۴: «قانونگذار در ماده (۴) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۸۹، ارتکاب هشت رفتار نسبت به مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی مذکور در این ماده را جرم‌انگاری کرده است و در ماده (۸) این قانون ارتکاب دوازده رفتار نسبت به مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی را جرم‌انگاری کرده است که هشت رفتار مذکور در ماده (۴) در ماده (۸) نیز جرم‌انگاری شده است ولی چهار رفتار دیگر در ماده (۸) که در این ماده جرم‌انگاری شده است، در ماده (۴) ذکر نشده است، اما نوع مواد مخدر و روانگردان‌های صنعتی غیردارویی مذکور در این دو ماده با هم متفاوت است. بنابراین مقصود از عبارت «مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط به اینکه بیش از دو کیلوگرم باشد» مذکور در بند «ت» ماده‌واحد الحاقی یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ به قرینه عبارت‌های قبل و بعد از آن، رفتارهای مجرمانه مشترک با ماده (۴) یاد شده یعنی وارد، صادر، ارسال، تولید، ساخت و توزیع کردن و فروش یا در معرض فروش قرار دادن مواد مخدر و روانگردان‌های صنعتی غیردارویی مذکور در این ماده (ماده ۸) است و مقصود از عبارت «در خصوص سایر جرائم موضوع ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد» رفتارهای غیرمشترک با ماده (۴) یعنی خرید، نگهداری، مخفی و حمل کردن مواد مخدر و روانگردان‌های صنعتی غیردارویی مذکور در این ماده (ماده ۸) است».

۲. بند «۷» بخشنامه رئیس قوه قضائیه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶: «طبق بند «ت» ماده‌واحد وارد کردن، صادر کردن، ارسال، تولید، ساخت، توزیع، فروش یا در معرض فروش قرار دادن بیش از پنجاه کیلوگرم مواد، موضوع ماده (۴) یا بیش از دو کیلوگرم مواد، موضوع ماده (۸) و خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کردن بیش از سه کیلوگرم مواد موضوع ماده (۸) موجب مجازات اعدام خواهد بود».

را با شدت خسارت ناشی از جرم هماهنگ کند. کاربرد مرحله دوم آن مربوط به قضات و دادگاه‌هاست (Lai, 2017: 2) که مقنن باید در جهت دستیابی به اهداف مجازات برای فردی سازی کیفر، ابزارهای مناسب در اختیار قضات قرار دهد (حیدری، ۱۳۹۴: ۱۶۰). فردی سازی مجازات اقدامی برای متعادل کردن اصل قانونی بودن جرم و مجازات محسوب می‌شود (پورقهرمانی و نگهدار، ۱۳۹۷: ۲۳۴). در بیشتر نظام‌های حقوقی تدابیر ارفاقی همچون تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم و ... در خصوص متهمان قابل اجرا است. با این حال گاهی قانونگذار سعی می‌کند با محروم کردن متهم‌ها از تدبیرهای ارفاقی و شیوه‌های ناتوان سازی، امنیت عمومی را بهتر فراهم کند، زیرا اطمینان از مجازات شدن به جای شدت مجازات، در جلوگیری از ارتکاب جرائم از جمله جرائم مواد مخدر مؤثرتر است (A. De Ungria and M. Jose, 2020: 34). تبصره ماده (۴۵) الحاقی هم در راستای سیاست کیفری سخت‌گیرانه استفاده از نهادهایی همچون تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و عفو را ممنوع کرده است. ظاهراً مقنن به موجب حکم این تبصره قصد محدود کردن قضات در خصوص اعمال نهادهای ارفاقی در مرحله اجرای حکم را داشته است؛ زیرا اولاً عبارت (سایر نهادهای ارفاقی) که در تبصره به آن اشاره شده باید با مصادیق مذکور در تبصره مشابه باشد؛ حال آنکه هیچ‌یک از نهادهای ذکر شده ارتباطی با مرحله دادرسی ندارند. ثانیاً اصل کلی بر این است که قاضی می‌تواند از کلیه نهادهای ارفاقی استفاده کند مگر اینکه قانونگذار تصریح بر ممنوعیت آن کند، در حالی که این تصریح در مرحله دادرسی وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت نهادهای ذکر شده در تبصره ماده (۴۵) الحاقی مرتبط با مرحله اجرای احکام است و مرتبط با مرحله دادرسی نیست (اعظمی چهاربرج، ۱۳۹۷: ۱۲۶). البته قسمت دوم بند «۱۲» دستورالعمل رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ امکان استفاده از ماده (۴۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جرائم مواد مخدر را ممنوع کرده است. به نظر می‌آید هرچند بند مذکور در دستورالعمل، تبصره ماده (۴۵) الحاقی را عیناً تکرار کرده و فقط تخفیف ماده (۴۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری را به آن اضافه کرده، اما این عمل با تفسیر مضیق قوانین جزایی در تعارض است زیرا دامنه حکم تبصره ماده (۴۵) الحاقی را به مرحله صدور رأی نیز سرایت داده است.

۴-۱. در حکم حد کردن جرائم تعزیری مواد مخدر

یکی از جلوه‌های سخت‌گیری کیفری در قانونگذاری ایران در حکم حد کردن بسیاری از جرائم تعزیری است (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۶۷) چون در این صورت قاضی نمی‌تواند هیچ‌گونه تخفیف یا تعلیق یا عامل مساعد به حال متهم را اعمال کند. مقتن پس از انقلاب اسلامی هر وقت با مشکل تعیین کیفر اعدام روبه‌رو شده از بعضی مفهوم‌های اختلافی همانند افساد فی الارض استفاده کرده است. نکته قابل توجه آن است که در متون فقهی بحث مستقلى در مورد حد افساد فی الارض وجود ندارد از این رو در خصوص ماهیت اعدام در جرائم مواد مخدر نظریات متعددی مطرح شده است.^۱ بعضی معتقدند چون یکی از مجازات‌های مذکور در افساد فی الارض، اعدام است بنابراین با توجه به قاعده فقهی (التعزیر دون الحد) که مانع از رسیدن مجازات‌های تعزیری به حد اعدام می‌شود، اعدام از مجازات‌های حدی است (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۴: ۷۴؛ منتظری، ۱۳۶۷: ۵۴۲؛ حائری، ۱۳۸۶: ۲۱؛ شیخ مفید، ۱۴۱۱: ۷۹؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۰۸). برخی دیگر معتقدند ماهیت آن تعزیر بوده و به دلیل تکرار جرم مجازات اعدام اعمال می‌شود. همچنین اکثر فقها مبحث افساد را در قسمت ملحقات کتاب حدود بیان کرده‌اند و به نوعی آن را از مبحث حدود جدا کرده‌اند. بنابراین اعدام از مجازات‌های تعزیری به حساب می‌آید. اما دیدگاه سوم، ماهیت اعدام را در جرائم مواد مخدر از باب مجازات‌های حکومتی می‌داند؛ زیرا به اقتضای فلسفه وجودی حکومت اسلامی و ضرورت حفظ آن، می‌توان مجازات‌های مناسب را با توجه مصالح جامعه و شدت جرم معین کرد و این همان چیزی است که به نام تعزیرات حکومتی مطرح می‌شود (شمس ناتری، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

با توجه به این اختلاف نظرها، آیت‌الله موسوی اردبیلی در سال ۱۳۶۶ استفتایی از امام خمینی (ره) می‌کنند مبنی بر اینکه با توجه به اینکه نظر فقهی حضرت‌عالی اعدام شخص مفسد نیست؛ شورای عالی قضایی اجازه عمل براساس نظر آیت‌الله منتظری را داشته باشد که اعدام مفسد فی الارض را جایز می‌دانند که امام خمینی (ره) این اجازه را صادر می‌کنند. سپس ایشان بخشنامه‌ای در پی این جواز صادر می‌کنند که براساس آن «محکومیت

۱. برای مطالعه مبانی فقهی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر رک: ضامن‌علی حبیبی و جواد حبیبی تبار، «مبانی فقهی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر»، کوشی نو در فقه، سال ۲۱، ش ۲، ۱۳۹۳.

به مجازات اعدام در خصوص مواد مخدر در صورتی مطابق موازین اسلامی است که فعالیت مجرم به اندازه‌ای باشد که موجب صدق عنوان مفسد فی الارض بر فرد شود یعنی فعالیت شخص در خصوص حمل و توزیع و ... سبب فساد در ناحیه یا منطقه‌ای از زمین شود» (مرکز تحقیقات فقهی، ۱۳۸۲: ۱۷۴). در روند تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷ این رویکرد پذیرفته شد، اما برای برخی از رفتارها برخلاف معیارهای تعیین شده در استفساریه برای افساد فی الارض مجازات اعدام تعیین شد. مثلاً به موجب ماده (۶) این قانون چنانچه موارد مذکور در ماده در نتیجه تکرار جرم، مجموع موادش به بیش از پنج کیلوگرم می‌رسید مرتکب در حکم مفسد فی الارض بوده و به مجازات اعدام محکوم می‌شد. مقنن در سال ۱۳۷۶ ماده (۶) قانون را اصلاح و در حکم مفسد فی الارض را از آن حذف کرد؛ اما ماده (۹) را اصلاح نکرد. در سال ۱۳۹۶ مقنن با تصویب ماده (۴۵) الحاقی، گستره جرائم در حکم مفسد فی الارض را گسترده‌تر نمود و بیان کرد: «مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم مفسد فی الارض هستند (...). سیاست کیفری حاکم در قانون مبارزه با مواد مخدر دلالت بر این دارد که جرائم مذکور در قانون تا اوزان و شرایط مشخص، تعزیری بوده ولی با احراز شرایط ماده (۴۵) الحاقی، جرم حدی محسوب می‌شوند که این امر با قواعد فقهی و قوانین جزایی همخوانی ندارد. نکته عجیب آنکه این ماده الحاقی بدون هیچ ایرادی از سوی شورای نگهبان تأیید شده است. به نظر می‌رسد حتی با این حدانگاری جرائم مواد مخدر، وضعیت نسبت به قبل دشوارتر شده و امکان لغو مجازات اعدام به استناد ماهیت تعزیری این جرائم که امکان‌پذیر بود با مشکل روبه‌رو شده است (غلاملو، ۱۳۹۷: ۱۵۵).

۵-۱. گسترش نقش سوابق کیفری در حکم اعدام

بالا بودن میزان تکرار جرم یکی از موضوعات اساسی در هنگام برخورد با جرائم مواد مخدر است. مجرمان مواد مخدر پس از آزادی از بازداشت، احتمال دستگیری مجدد آنها بسیار بالاست (Ching Tsai et al., 2019: 1908). از این رو سابقه کیفری یکی از معیارهای قدیمی

در تعیین مجازات و میزان خطر متهمان محسوب می‌شود. متهمانی که مرتکب جرم شده و پس از محکومیت قانونی مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زنند به موجب مقررات تکرار جرم مشمول مقررات تشدید مجازات می‌شوند (فرجیها و عابدی نژاد مهرآبادی، ۱۳۸۷: ۵۸). البته اینکه چه جرائمی و تا چه زمانی مشمول قاعده تکرار جرم و تشدید مجازات می‌شوند در سیر زمان و قوانین تفاوت دارد. به عنوان مثال میزان سخت‌گیری مقنن نسبت به تکرار جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ کاسته شد. مطابق ماده (۱۳) این قانون، هرکس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم مدتی معادل مرور زمان اجرا یا اعاده حیثیت سپری نشده باشد دوباره مرتکب جرم درجه ۱ تا ۶ جدید شود، مجازات مجرم تشدید می‌شود. آنچه مشخص است این تغییرات و اصلاحات در قانون مجازات اسلامی، در روند سیاست کیفری سخت‌گیرانه مقنن در قوانین مبارزه با مواد مخدر تغییری ایجاد نکرده است، زیرا قانون مبارزه با مواد مخدر خاص است و قواعد مرتبط با تکرار جرائم مواد مخدر آن با قواعد ناظر بر جرائم عمومی تفاوت دارد و اگر قضات دادگاه در تشدید مجازات این قواعد خاص را رعایت نکنند رأی صادره نقض می‌شود (ذبحی، ۱۳۹۷ الف: ۲۰۲). البته رأی وحدت رویه شماره ۷۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ نیز مؤید همین نظر است زیرا در صدر رأی وحدت رویه مذکور بیان شده با توجه به اینکه قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص تعدد جرم حکم خاصی ندارد؛ قواعد تعدد جرم مندرج در قانون مجازات اسلامی متبع خواهد بود. بنابراین با استفاده از مفهوم مخالف آن می‌توان گفت در قواعد تکرار جرم که قانون مبارزه با مواد مخدر حکم خاص دارد؛ نمی‌توان به قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد. قانونگذار حسب بند «پ» ماده (۴۵) الحاقی قواعد مربوط به تکرار جرم را به صورت بی‌ضابطه بسیار توسعه داده است. به این صورت که اگر فردی قبلاً به کیفر اعدام محکوم شده باشد و این کیفر اعدام به هر علتی به کیفر دیگری تبدیل شده باشد و یا اگر فرد قبلاً به جهت ارتکاب جرائم مواد مخدر به حبس بیش از پانزده سال یا حبس ابد محکوم شده باشد بدون در نظر گرفتن ماده و بند حکم سابق‌الصدور به اعدام محکوم می‌شود. در حالی که در قوانین سابق مبارزه با مواد مخدر تنها

در صورتی که مواد مخدر متهم به میزان مشخصی می‌رسید و موضوع آنها یکسان بود متهم به کیفر اعدام محکوم می‌شد و سابقه‌های کیفری دیگر مواد مخدر متهم در صدور حکم اعدام وی تأثیری نمی‌گذاشت. هنگامی که ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی^۱ در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید به نظر می‌رسید که قانونگذار رویکرد متفاوتی را در مقایسه با ماده (۳۹) قانون مبارزه با مواد مخدر در اصلاح سیاست کیفری سخت‌گیرانه اتخاذ کرده ولی با تصویب ماده (۴۵) الحاقی مشخص شد که قانونگذار موافق این نظر نبوده و سابقه‌های کیفری محکومان را به طور مطلق از سال ۱۳۶۷ صرف نظر از نوع و میزان محکومیت، مؤثر دانسته است^۲ (حسینی، سلطانی و صفری، ۱۳۹۸: ۱۷۵).

۱-۶. جرم‌انگاری مستقل معاونت در جرائم مواد مخدر مستوجب اعدام

در اکثر کشورها در جرم‌انگاری عمل معاون از رویکرد عاریه‌ای استفاده می‌شود. در این رویکرد زمانی می‌توان معاون را مجازات کرد که عمل مباشر دارای وصف مجرمانه باشد و تا هنگامی که مباشر شروع به انجام فعل نکرده باشد نمی‌توان وی را مجازات کرد (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۵۹). گاهی در برخی از جرائم مهم، مقنن چنین وضعیتی را مناسب نمی‌بیند و معاونت در جرم را به

۱. ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند: الف) هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی، ب) سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار، پ) دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج. تبصره ۱: در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود، اما در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط منعکس نمی‌شود مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات. تبصره ۲: در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود. تبصره ۳: در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌شود».

۲. البته در مورد شیشه، سابقه مؤثر از سال ۱۳۸۹ لحاظ می‌شود.

صورت مستقل جرم‌انگاری و برای آن مجازات تعیین می‌کند (مجیدی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۰۹). امروزه رویه معمول گروه‌های تروریستی برای تأمین مالی فعالیت‌هایشان استفاده از قاچاق مواد مخدر است که گاهی از اطفال و نوجوانان برای این امر خطرناک استفاده می‌کنند که نیازمند برخورد شدید با این گروه از مجرمان است (Santacroce et al., 2018: 68). بند «ب» ماده (۴۵) الحاقی با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، به استفاده از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانین برای ارتکاب جرم اشاره کرده است، هرچند قبلاً در ماده (۳۵) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر^۱ به این جرم‌انگاری اشاره شده بود، اما در آن ماده فقط به وادار کردن اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال و افراد محجور عقلی برای ارتکاب جرم اشاره شده بود که در واقع برای تحقق این عنوان مجرمانه باید نوعی اجبار و تهدید برای ارتکاب جرم انجام می‌شد (ذبحی، ۱۳۹۷ الف: ۳۷۶). اما در بند «ب» ماده (۴۵) الحاقی، مقنن با ذکر عبارت (استفاده) به نوعی ترغیب و تشویق اطفال و نوجوانان را هم علاوه بر جنبه تهدید و اجبار لحاظ کرده و هر نوع سوءاستفاده‌ای از این افراد را جرم‌انگاری کرده و سبب شده دامنه شمول این جرائم گسترده‌تر شود. البته در بند «۶» بخشنامه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ رئیس قوه قضائیه به این نکته تأکید مجدد شده است و (استفاده از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانین برای ارتکاب جرم مذکور در بند «ب» ماده واحده شامل مواردی است که مرتکب جرائم مذکور از این اشخاص به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده کرده باشد، مشابه آنچه در ماده (۱۲۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده است).

۱. ماده (۳۵) قانون مبارزه با مواد مخدر: «هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان کند و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی کند به یک‌ونیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود».

۲. ماده (۱۲۸) قانون مجازات اسلامی: «هرکس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده کند به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌شود. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود».

از سوی دیگر به موجب این بند، مقنن پشتیبانی مالی در ارتکاب جرائم مواد مخدر را هم که نوعی معاونت در جرم است به نحوی جرم‌انگاری کرده که حتی شاید بعضی اوقات عمل مباشر جرم مواد مخدر مستوجب مجازات اعدام نباشد ولی متهم دیگر به لحاظ معاونت از طریق پشتیبانی مالی در حکم مفسد فی الارض بوده و به مجازات اعدام محکوم شود، در حالی که در خصوص جرائم غیر از مواد مخدر به موجب ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱ متهم به حداکثر مجازات شدیدترین فرد گروه محکوم می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد قانونگذار قصد داشته در بند «ب» ماده (۴۵) الحاقی از همان سیاست کیفری سخت‌گیرانه ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیروی کند، زیرا در ماده مذکور در مصداق‌های افساد فی الارض به معاونت هم اشاره شده و با عدول از اصول حاکم بر حقوق جزای عرفی، همانند اصل شخص بودن و تناسب مجازات‌ها نتایج زیان‌بار فعل مجرمانه مباشر را که ارتباط مستقیمی به معاون جرم ندارد به وی تسری داده و برای آن مجازات اعدام تعیین کرده است.

۲. تحدید جلوه‌های راهبرد پیشروی سیاست کیفری سخت‌گیرانه

از حدود سال ۱۹۷۵ جنبشی با رویکرد محدود کردن مداخله کیفری در حقوق کیفری اروپا به وجود آمد و راهکارهایی مانند جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی پیشنهاد شد. این راهکارها با هدف عقب‌نشینی حقوق کیفری، آثار قابل توجهی در حقوق کشورها ایجاد کرد. اخیراً در قوانین کیفری ایران نیز از جمله قانون مبارزه با مواد مخدر در راستای تحدید سیاست کیفری سخت‌گیرانه تغییراتی ایجاد شده که از مهمترین تغییرات به موجب ماده (۴۵) الحاقی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌شود مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌شود.

تبصره ۱: گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌شود.

تبصره ۲: سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.»

۲-۱. کاهش دامنه جرائم مستوجب اعدام

یکی از راهکارهایی که در ماده (۴۵) الحاقی برای کاهش سیاست کیفری سخت‌گیرانه مطرح شد کاهش دامنه مجازات از طریق افزایش وزن مواد مخدر مستوجب اعدام بود؛ امروزه در جرائم مواد مخدر تعیین مجازات براساس وزن مواد، الگویی است که در بیشتر کشورها رعایت می‌شود. در واقع شاخص شدت آسیب ناشی از جرم، میزان مواد است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۶). برای اینکه قوانین کیفری مواد مخدر عادلانه و مطابق حقوق بشر باشند باید بین جرائم مرتبط با عرضه مواد مخدر و مصرف مواد مخدر تفکیک انجام شود تا سیاستگذاران بتوانند مؤثرتر با توزیع‌کنندگان اصلی مواد مخدر به مبارزه بپردازند (Genevieve, 2011: 4). البته برخی از محققان بر معیارهای ذهنی همچون قصد اشاره می‌کنند و معتقدند نمی‌توان بر مبنای میزان مواد مخدر، نگهداری را از عرضه تفکیک کرد زیرا گاهی عده‌ای از مصرف‌کنندگان برای مصرف چند روز خود میزان بیشتری از آستانه قانونی خریداری می‌کنند. این امر باعث می‌شود تا در قالب عرضه‌کننده تلقی شوند (صادقی، ۱۳۹۸: ۷۰۰). نظام کیفری ایران از جمله نظام‌هایی است که در این حوزه بر مبنای ضابطه میزان مواد مخدر عمل می‌کند (ذبحی، ۱۳۹۷ الف: ۶۲). پس از انقلاب اسلامی به موجب لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی در سال ۱۳۵۹، مجازات وارد کردن، ساخت، فروش یا در معرض فروش قرار دادن بیش از یک کیلوگرم تریاک یا مواد هم‌ردیف آن یا ساخت، فروش یا در معرض فروش گذاشتن بیشتر از یک گرم یا نگهداری، حمل بیش از پنج گرم مرفین یا هروئین و مواد هم‌ردیف آنها مجازات اعدام داشت تا سال ۱۳۶۷ این مجازات بدون تغییر مانده بود. در این سال مجمع تشخیص مصلحت نظام که سابقه قانونگذاری مستقیم نداشت قانون مبارزه با مواد مخدر را تصویب کرد که به موجب مواد (۴، ۵، ۸) مجازات تولید، ساخت، توزیع یا فروش بیش از پنج کیلوگرم تریاک و مواد هم‌ردیف آن یا تولید، ساخت، توزیع یا فروش یا حمل، نگهداری و مخفی کردن بیش از سی گرم مرفین یا هروئین و مواد هم‌ردیف آنها مجازات اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای برای خانواده محکوم تعیین شد. مقنن براساس مواد (۴ و ۵) قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر در خصوص نگهداری مواد مخدر سنتی میان عرضه و نگهداری تفکیک ایجاد

کرد؛ اما در مواد مخدر صنعتی این تفکیک را قائل نشد. در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ این قانون اصلاحیه‌هایی را در پی داشت ولی تغییر چندانی در شدت مجازات‌ها و اعدام ایجاد نشد تا اینکه مجلس شورای اسلامی با تصویب طرح کاهش مجازات اعدام از قانون مبارزه با مواد مخدر در قالب ماده (۴۵) الحاقی در ۱۳۹۶/۷/۲۶ اقدامات قانونگذاران سابق را به چالش کشید.

نگاه مقنن در خصوص تعیین مجازات براساس کمیت مواد مخدر مکشوفه بوده و با اهداف ذکر شده در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی و مقدمه توجیهی طرح تقدیمی نمایندگان در آذرماه ۱۳۹۵ که بر کیفیت‌گرایی در مبارزه با مواد مخدر تأکید داشتند در تعارض است (پیرایی، ۱۳۹۸: ۷۲). براساس بند «ت» ماده (۴۵) الحاقی^۱ مقنن میزان مواد مستوجب اعدام را که در بند «۴» ماده (۴) قانون، پنج کیلوگرم تعیین کرده بود به بیش از پنجاه کیلوگرم افزایش داد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون را از سی گرم به بیش از دو کیلوگرم افزایش داد و به نوعی در جهت مساعدت به متهمان و محکومان مواد مخدر مستوجب اعدام گام بزرگی برداشت. البته در خصوص این بند از ماده (۴۵) الحاقی ابهاماتی وجود دارد مانند اینکه منظور از عبارت (... سایر جرائم موضوع ماده (۸) ...) مبهم است؟ زیرا هنگامی که به ماده (۸) مراجعه می‌کنیم ملاحظه می‌شود جرائم مذکور در این ماده به دو دسته تقسیم نشده‌اند، بلکه تقسیم‌بندی در جرائم موضوع ماده (۴) قانون مبارزه با مواد مخدر وجود دارد و چهار فعل (نگهداری، حمل، خرید و مخفی کردن) در ماده (۵) جرم‌انگاری شده و سایر افعال مجرمانه در ماده (۴) این قانون مشخص شده است. بنابراین به نظر می‌رسد منظور از عبارت سایر جرائم، افعال مذکور در ماده (۵) قانون مبارزه با مواد مخدر باشد (اعظمی چهاربرج، ۱۳۹۷: ۳۹).

۱. بند «ت» ماده (۴۵) الحاقی: «کلیه جرائم موضوع ماده (۴) این قانون مشروط بر اینکه بیش از پنجاه کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط بر اینکه بیش از دو کیلوگرم باشد و در خصوص سایر جرائم موضوع ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد. اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم‌الاجرا شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای «الف، ب یا پ» است.»

۲-۲. تبدیل مجازات احکام قطعی اعدام

تخفیف مجازات یکی از ابزارهای مؤثر سیاست کیفری در اجرای اصل فردی کردن مجازات است و گاهی به حالت تقلیل یا تبدیل یا تقلیل و تبدیل یا معافیت انجام می‌شود (فلاحی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در واقع نظام عدالت کیفری برای دستیابی به اهداف خود با شناسایی حالت خطرناک متهم، پاسخ مناسب را برمی‌گزیند (Larry, 2016: 344). در تبدیل مجازات به جهت عذرهای قانونی یا جهات مخففه قضایی، مجازات مجرم از نوعی به نوع دیگر که به حال متهم مناسب‌تر باشد تغییر می‌یابد. یکی از تغییرات مهم مطابق ماده (۴۵) الحاقی تبدیل مجازات احکام قطعی اعدام است. به موجب این ماده حکم‌های قبلی اعدام که تالازم الاجرا شدن قانون (۱۳۹۶/۸/۲۳) قطعی شده بودند اگر یکی از شرایط بندهای «الف تا ت» ماده مذکور را نداشته باشند (مسلحانه نباشند یا مرتکب نقش سردستگی، پشتیبانی مالی، سرمایه‌گذاری یا ... را نداشته باشد یا محکوم سابقه قطعی اعدام، حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال نداشته باشد) به حبس درجه یک بیش از بیست و پنج سال تا سی سال و جزای نقدی درجه یک بیش از یک میلیارد ریال تا دو میلیارد ریال و ضبط اموال ناشی از جرائم مواد مخدر تبدیل و تقلیل می‌یابند.

در خصوص این تبدیل مجازات اشکالات اساسی بر ماده (۴۵) الحاقی وارد است؛ از یک سو عطف به ماسبق شدن آن نادرست بوده و برخلاف قواعد عدالت کیفری است زیرا اصل بر این است که قوانین ناظر به آینده هستند و صدر ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی بر همین اصل تأکید می‌کند در حالی که در ماده مذکور به این امر توجه نشده است. این بی‌عدالتی بیشتر در جایی خودنمایی می‌کند که در طول سال‌های قبل از تصویب این ماده، حکم اعدام تعداد قابل توجهی از محکومان با وزن کمتر اجرا شده است، اما عده‌ای به دلیل داشتن وکیل قوی یا ... که اجرای مجازاتشان به تأخیر افتاده است از مجازات قانونی خود رهایی می‌یابند (ذبحی، ۱۳۹۷: ب: ۲۶). از سوی دیگر به موجب صدر این ماده که متهمان جرائم مواد مخدر را با شرایطی در حکم مفسد فی الارض قرار داده است سبب می‌شود اعدام مفسد فی الارض یکی از مجازات‌های حدی محسوب شده بنابراین نباید مشمول مقررات بند «ب» ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی شود. حسب رأی وحدت

رویه شماره ۴۵ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ دیوان عالی کشور: «ماده (۶) قانون مجازات اسلامی مصوب مهرماه ۱۳۶۱ (یعنی ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) که مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی را براساس قانونی قرار داده که قبل از وقوع جرم وضع شده باشند منصرف از قوانین و احکام الهی از جمله راجع به قصاص است که از صدر اسلام تشریح شده اند».

به نظر می‌رسد چنانچه هدف مقنن، تعیین تکلیف محکومان اعدام مواد مخدر و تحصیل رضایت مدعیان خارجی حقوق بشر بود می‌توانست از طریق کمیسیون‌های عفو و... به هدف خود نائل شود. همان‌گونه که پیش از تصویب این قانون، دادستان کل کشور دستورالعمل (تعیین تکلیف فوری محکومان اعدام جرائم مواد مخدر) را به رئیس قوه قضائیه پیشنهاد کردند که براساس آن باید کمیسیون‌های ویژه عفو و تخفیف مجازات محکومان جرائم مواد مخدر در تمام استان‌ها تشکیل می‌شد تا با توجه به شرایط مجرمان، سوابق کیفری آنها پیشنهاد عفو به رئیس قوه قضائیه انجام می‌شد. پیشنهاد اولیه این طرح به تأیید رئیس قوه قضائیه رسید اما متعاقب تصویب ماده (۴۵) الحاقی اجرای این دستورالعمل منتفی شد.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پاسخ‌های سیاست کیفری در قبال مبارزه با مواد مخدر همواره با فرازونشیب‌های گوناگونی روبه‌رو بوده است. رویکرد غالب قانونگذار ایران در جرائم مواد مخدر هم به لحاظ کمی یعنی تعداد جرم‌انگاری‌ها و هم به لحاظ کیفی یعنی شدت مجازات‌ها غالباً مبتنی بر سیاست کیفری سخت‌گیرانه است. این سیاست کیفری به علت ناعادلانه قلمداد شدن و مخالف بودن با کرامت انسانی مرتکبان چندان مورد اقبال سیاست کیفری قضایی قرار نگرفته است و همین امر اصول قطعیت و حتمیت مجازات‌ها را متزلزل کرده و موجب شده که سیاست کیفری ایران در قبال جرائم مواد مخدر کارایی لازم را نداشته باشد. این تهافت و تعارض سیاست کیفری تقنینی با سیاست کیفری قضایی به همراه عوامل دیگری همچون فشارهای حقوق بشر به تدریج باعث شدند مقاومت سیاستگذاران کیفری در مقابل این

روند سخت‌گیرانه تا حدودی کاهش یابد و زمینه برای اصلاحات قانون در سال ۱۳۹۶ فراهم شود. گفتمان اولیه طراحان و موافقان این اصلاحیه لغو مجازات اعدام و تحدید سیاست کیفری سخت‌گیرانه بود، اما تحلیل محتوای آن نشان می‌دهد این اصلاحیه همچنان به ایده بازدارندگی اعدام در جرائم مواد مخدر وفادار بوده و در عمل دامنه سیاست کیفری سخت‌گیرانه را در اکثر موارد توسعه داده است.

در سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر به ویژه در بخش سیاست کیفری، پاسخ‌های دولتی و رسمی نقش مهم و اساسی دارند. هرچند اعدام‌زدایی از اهدافی است که باید سیاست کیفری ایران به سوی آن حرکت کند؛ اما برای رسیدن به آن نباید اقداماتی کرد که شاید در کوتاه‌مدت نتایج سطحی حاصل شود اما در بلندمدت از هدف اصلی که اعدام‌زدایی است فاصله بگیرد. با بررسی اصلاحات انجام شده در ماده (۴۵) الحاقی شاید بتوان به این نتیجه رسید که مهمترین هدف آن کاهش تعداد محکومان در انتظار اجرای حکم اعدام بوده است که مقنن می‌توانست از روش‌های دیگری مانند کمیسیون‌های عفو به این هدف برسد. تنها اقداماتی که در راستای تحدید سیاست کیفری سخت‌گیرانه انجام شده است؛ کاهش دامنه جرائم مستوجب اعدام از طریق افزایش وزن مواد مخدر و تبدیل احکام قطعی مجازات اعدام به حبس و جزای نقدی با شرایطی مشخص است. به نظر می‌رسد این اقدامات با اهداف ذکر شده در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی و مقدمه توجیهی طرح تقدیمی نمایندگان در آذرماه ۱۳۹۵ که بر کیفیت‌گرایی در مبارزه با مواد مخدر تأکید داشتند در تعارض است، زیرا مجدداً قانونگذار در تعیین مجازات معیار کمیت مواد مخدر را لحاظ کرده است.

بنابراین ماده (۴۵) الحاقی نتوانسته یک قالب نظام‌مند را برای تعدیل اعدام‌های مواد مخدر به‌کار گیرد. لذا باید قانون مبارزه با مواد مخدر به‌طور جامع و هماهنگ اصلاح شود. پیشنهاد می‌شود قانونگذار به قدر متیقن مصادیق اعدام شرعی اکتفا کرده و با توجه به اینکه تعیین مجازات اعدام بر مبنای حد افساد فی الارض در جرائم مواد مخدر، حکمی برخلاف دیدگاه بسیاری از فقهاست از قوانین کیفری مواد مخدر حذف شود و موارد معدودی هم که بر اساس مواد (۲۸۱ و ۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مشمول حد محاربه

و افساد فی الارض می‌شوند مطابق قانون مجازات اسلامی، مجازات شوند. همچنین در تعدیل مجازات اعدام متناسب کردن مجازات‌ها لحاظ شود؛ چون جرائم موضوع ماده (۸) قانون مبارزه با مواد مخدر از جمله خرید یا نگهداری همانند تولید یا فروش مواد مخدر مجازات یکسانی دارند و لازم است مقنن با توجه به آثار مختلفی که هر کدام از این اقدامات در جامعه دارند، مجازات‌های متفاوتی را برای آنها در نظر بگیرد. در ماده (۴۵) الحاقی، قانونگذار سعی کرده با عبارتی که در بند «ت» بیان می‌کند به این نکته توجه کند ولی این عبارت به صورت مبهم بیان شده است. این مطالب و ابهامات موجود ایجاب می‌کند فوراً نواقص و ایرادهای ماده (۴۵) الحاقی بازبینی و زمینه خروج از شرایط نامناسب قضایی فراهم شود. زیرا قانون خوب قانونی نیست که به جامعه کیفرهای مرگبار هدیه کند، بلکه قانونی است که برای عموم جامعه آرامش درونی و بیرونی را فراهم کند. بدون تردید با تشدید مجازات جرائم کاهش پیدا نمی‌کند، بلکه باید عواملی که در ایجاد بزهکاری و ازدیاد آنها مؤثرند را از بین برد. از لحاظ جرم‌شناسی در مصوبات مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره جرائم مواد مخدر به سیاست کیفری و جنبه‌های پیشگیرانه بزه توجه کافی نشده و بیشتر به جای توجه به علل جرم با معلول جرم مبارزه کرده‌اند.

منابع و مأخذ

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیستم، تهران، انتشارات میزان.
۲. اسلامی پناه، علی (۱۳۹۷). «رویه قضایی به منزله منبع حقوق»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۸۴.
۳. اکبری، عباسعلی (۱۳۹۳). «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر»، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۲.
۴. اعظمی چهاربرج، حسین (۱۳۹۷). تحلیلی بر ماده (۴۵) الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر با تکیه بر نحوه اعمال آن در مراجع قضایی، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۵. برهانی، محسن (۱۳۹۴). «افساد فی الارض ابهام موضوعی و مفاصد عملی»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ش ۲.
۶. پورقهرمانی، بابک و ایرج نگهدار (۱۳۹۷). «ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، ش ۲.
۷. پیریایی، حامد (۱۳۹۸). «بحران در سیاست جنایی ایران در قبال مبارزه با مواد مخدر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا، دانشگاه دامغان.
۸. جودوی خراسانی، هادی (۱۳۸۲). «جرائم در حکم محاربه در حقوق جزای ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. حائری، سیدکاظم (۱۳۸۶). «انواع تعزیر و ضوابط آن»، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، سال ۱۳، ش ۵۱.
۱۰. حبیبی، ضامن‌علی و جواد حبیبی تبار (۱۳۹۳). «مبانی فقهی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر»، کاوشی نو در فقه، سال ۲۱، ش ۲.
۱۱. حسینی، سیدحسین، محمد سلطانی و صادق صفری (۱۳۹۸). «تأثیرات عدم همسویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در نگرش متهمین و محکومین جرائم مواد مخدر»، مجله حقوقی د/دگستری، دوره ۸۳، ش ۱۰۶.
۱۲. حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۴). «چالش‌های سیاست کیفری ارفاقی قانون مجازات اسلامی در برابر جرائم سبک»، مجله حقوق اسلامی، سال ۱۲، ش ۴۵.
۱۳. دلماس مارتی، می‌ری. (۱۳۹۳). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.

۱۴. ذبحی، حسین (۱۳۹۷ الف). شرح جامع قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی در نظم حقوقی جدید، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۵. --- (۱۳۹۷ ب). شرح و بررسی ماده (۴۵) الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۶. رحمدل، منصور (۱۳۸۵). «تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر»، مجله جامعه‌شناسی، ش ۲۵.
۱۷. ساکی، محمدرضا (۱۳۸۷). جرائم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و بین‌المللی، چاپ دوم، نشر خط سوم.
۱۸. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی مجازات اعدام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۹. شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن (۱۴۰۰). النهایه، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. شیخ مفید، محمدبن نعمان (۱۴۱۱). المقنعه، چاپ دوم، قم، مؤسسه نشر الاسلامی.
۲۱. صادقی، آزاده (۱۳۹۸). «آستانه قانونی برای حمایت از مصرف‌کنندگان مواد مخدر»، دایره‌المعارف علوم جنایی، چاپ اول، نشر میزان.
۲۲. صادقی، آزاده، محمد فرجیها، جلیل امیدی و محمدجعفر حبیب‌زاده (۱۳۹۶). «پیامدهای تعیین کیفر در جرائم مواد مخدر بر پایه کمیت مواد در نظام تقنینی ایران و ایالات متحده آمریکا»، مجله پژوهش‌های تطبیقی، ش ۱.
۲۳. صادقی، ولی‌الله (۱۳۹۷). کیفردایی در ایران (نظریه و رویه)، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۲۴. طاهری، سمانه (۱۳۹۲). سیاست کیفری سخت‌گیرانه، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲۵. غلاملو، جمشید (۱۳۹۷). «تحلیل عوامل بی‌عدالتی کیفری در جرائم مواد مخدر»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱۰۳.
۲۶. فرجیها، محمد و زهرا عابدی نژاد مهرآبادی (۱۳۸۷). «مدیریت خطر مجرمان؛ مطالعه موردی بخش کلیات پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی»، مجله کارآگاه، ش ۵.
۲۷. فلاحی، ابوالقاسم (۱۳۹۵). «تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱۰۲.
۲۸. فلچر، جورج پی. (۱۳۸۴). مفاهیم حقوق بنیادی حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی،

توسعه سیاست کیفری سخت‌گیرانه در اصلاحیه قانونی تحدید مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر ————— ۲۷۱

مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۲۹. کاظمی، مسعود (۱۳۹۳). «تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرائم مواد مخدر و روانگردان»، مجله

سلامت اجتماعی و اعتیاد، ش ۴.

۳۰. گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۱). «نقدی بر سیاست جنایی دولت در مبارزه با مواد مخدر»، مجله/صلاح و تربیت، ش ۲۱.

۳۱. لازرژ، کریستین (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم،

تهران، نشر میزان.

۳۲. مجیدی، سید محمود (۱۳۸۶). جرائم علیه امنیت، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

۳۳. مجیدی، سید محمود و فاطمه تاج‌آبادی (۱۳۹۸). «تکنیک‌های جرم‌انگاری امنیت‌مدار در حقوق

کیفری ایران»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۲۱.

۳۴. معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۶). مجموعه بخشنامه‌ها (قوه قضائیه)، جلد سوم، قم.

۳۵. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، جلد سوم، تهران،

انتشارات مؤسسه کیهان.

۳۶. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۱۴). فقه الحدود و التعزیرات، قم، انتشارات دارالعلم مفید.

۳۷. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ بیست‌ونهم، تهران،

انتشارات میزان.

۳۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴). «سیاست جنایی در علوم جنایی»، گزیده مقالات آموزش برای

ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد

مخدر و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، جلد دوم، چاپ اول، قم، انتشارات سلسبیل.

۳۹. ————— (۱۳۹۶). دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، تهران، انتشارات میزان.

40. A. De Ungria, Maria Corazon and Jose M. Jose. (2020). "The War on Drugs, Forensic Science and the Death Penalty in the Philippines", *Forensic Science International: Synergy*, 2.

41. Amnesty International (2017). *Dead Sentences and Executions 2016*, London, United Kingdom.

42. Ching Tsai, Fu, Ming Chun Hsu, Chein Ta Chen and Da Yu Kao (2019). "Exploring Drug-related Crimes With Social Network Analysis", *Procedia Computer Science*, 159.

43. Desportes, Fredric (2008). *et Francis le Gunehec, Droit Penal General*, Paris, 9 Edit, Econmica.
44. Genevieve, Harris (2011). Threshold Quantities for Drug Policy.
45. Griffith, Edwards, Tom Babor, Shan Darke and Robert West (2009). "Drug Trafficking, Time to Abolish the Death Penalty", *Journal Compilation, Society for the Study of Addiction*, 4.
46. Hallsworth, Simon and Tara Young (2008). "Gang Talk and Gang Talkers: A Critique, Crime, Media, Culture", *An International Journal*, 2.
47. Lai, Gloria (2017). *Drug, Crime and Punishment Proportionality of Sentencing for Drug Offences, International Drug Policy Consortium (IDPC)*, London.
48. Laquer, Hannah, Stephen Rushin and Jonathan Simon (2014). "Wrongful, Policing and the "War on crime", Examining Wrongful Convictions: Stepping Back and Moving Forward", Carolina Academic.
49. Larvy, Siegel (2016). *Criminology*, Wadsworth Publishing.
50. Santacroce, Rita, Elisabetta Bosio, Valentina Scioneri and Mara Mignon (2018). "The New Drug and the Sea: The Phenomenon of Narco-terrorism", *International Journal of Drug Policy*, 51.
51. Thanh Luong, Hai (2021). "Why Vietnam Continues to Impose the Death Penalty for Drug Offences: A Narrative Commentary", *International Journal of Drug Policy*, 88.